



توانمندی های جمعیت هلال احمر خراسان شمالی در خانه فرهنگ بجنورد افتتاح شد. خراسان شمالی از جمله استان های حادثه خیز کشور محسوب می شود که همواره در معرض حوادثی همچون زلزله، سیل، توفان، کولاک برف، کوهستانی و جاده ای قرار دارد. نیروهای امدادی در فصول سال حوادث مختلفی را تجربه می کنند و به یاری حادثه دیدگان می شتابند. خراسان شمالی سال گذشته بیشترین افزایش حوادث جاده ای کشور را به خود اختصاص داد.

مصدومان فرضی شتافتند. رژه ناوگان های خودرویی و پیاده نیروهای امدادی به ویژه هلال احمر دیگر برنامه این مانور بود. در این برنامه تیم های کوهستان، راپل امداد هوایی، امداد جاده ای و واکنش سریع به همراه نیروهای امدادی دیگر دستگاه های امداد رسان از میدان شهید تا چهارراه امیریه رژه رفتند و آمادگی شان را برای حضور در حوادث مختلف به نمایش گذاشتند. گزارش خبرنگار ما حاکی است در پایان این مراسم نمایشگاه دستاوردها و

دستگاه های امدادی روز گذشته طی برگزاری مانوری مشترک در مرکز شهر بجنورد آمادگی شان را برای بروز حوادث شهری به نمایش گذاشتند. به گزارش خبرنگار ما این مانور به مناسبت گرامی داشت هفته هلال احمر و با همکاری آتش نشانی، پلیس راه و اورژانس برگزار شد. نیروهای امدادی و انتظامی دستگاه های حاضر در این مانور در سناریوی از پیش تعیین شده در یک صحنه تصادف شدید شهری حاضر شدند و ضمن مدیریت بحران به یاری

مانور ترکیبی امداد و نجات در بجنورد برگزار شد

تمرینی برای حوادث شهری



سیاهه ۲۰ ساله یک زن

فرشته نجات

زندگی سیاهش را بازگو می کند. او می گوید: در زندگی ام نه مهر مادری دیدم و نه از پشتوانه پدر برخوردار بودم.

مادرم با پدرم سر اعتیاد اختلاف داشت تا این که لقای زندگی با پدرم را به عطایش بخشید و به دنبال زندگی اش رفت.

زن جوان بعد از تنها شدن نزد مادر بزرگش می رود و پدرش تجدید فراش می کند. مادر بزرگش که دل خوشی از عروسی نداشت مدام سرکوفتش را به دخترش می زد و از هر فرصتی برای آزار دادن او استفاده می کرد.

زن غم زده در ادامه می گوید: پدرم بعد از ازدواج مجدداً ترس نامادری ام جرئت سرکشی به من را نداشت و من هم با مادر بزرگم زندگی می کردم و مدام از او فحش می شنیدم.

دختر بی یاور به خاطر کمبود مهر و محبت مدتی با پسر همسایه ارتباط برقرار می کند اما این

صدیقی

از اقبال بدش در خانواده ای به دنیا آمد که اعتیاد اغلب اعضا را اسیر خودش کرده بود. می گوید نه از دوران کودکی اش خبری دیده است و نه از دوران جوانی اش.

او تمام دوران نوجوانی و جوانی اش را به جای زندگی در آغوش گرم خانواده در خانه های فساد یا خانه هایی با سقف های دودی به دلیل مصرف مواد مخدر گذرانده است اما چندی پیش با قرار گرفتن یک نوزاد طرد شده سر راهش مسیر زندگی اش عوض شد و تصمیم گرفت برای خارج شدن از این باتلاق به جنگ اهریمن افیونی برود. حالا چند صبحی است که در یک مرکز ترک اعتیاد در بجنورد به سر می برد و امیدوار است که سال های سیاه زندگی اش پایان یابد. در یک روز بهاری پای صحبت هایش می نشینم و بخشی از ماجرای

اما از او هم جدا شدم. ماجرای ازدواج های موقت پی در پی زن بی پناه تمامی نداشت. او بعد از حدود ۲۰ سال آوارگی و بی پناهی هر چند به کمپ ترک اعتیاد می رفت اما لغزش هایش شروع می شد و دوباره همان آتش و همان کاسه بود. زن تنها خودش هم از این زندگی خسته شده بود اما به خاطر ناامیدی حاضر نبود دست از مواد بردارد و به زندگی عادی اش برگردد اما یک اتفاق باعث شد مسیر زندگی اش عوض شود. او که جوانه زندگی اش به خشکی گراییده بود از ماجرای شبی می گوید که امید را در دلش زنده کرد: بعد از این همه در به دری و اسکان در لانه های فساد، شبی که خسته از زندگی و روزگار بی رحم به خانه مجردی ام برگشتم ناگهان صدای در خانه را شنیدم.

وقتی در را باز کردم دیدم مرد همسایه یک نوزاد تازه متولد شده و ژولیده را بغل گرفته و از من سوال کرد از صاحب بچه خبری ندارم. من که متعجب شده بودم گفتم: من مجرد هستم و بچه ای ندارم و او را هم نمی شناسم. مرد همسایه برایش تعریف می کند زمانی که از سر کار به خانه برمی گشت صدای گریه یک بچه را داخل زباله ها می شنود.

اول فکر می کند شاید صدای یک گربه باشد اما وقتی زباله ها را کنار می زند می بیند یک نوزاد تازه متولد شده و بی پناه داخل چند تکه پارچه پیچیده و داخل زباله ها رها شده است. مرد همسایه بعد از این اتفاق از زن تنها می خواهد او را به یک نهاد حمایتی تحویل بدهند. زن ادامه می دهد: زمانی که پلیس را در جریان گذاشتم سرباز از من خواست نوزاد را بر آغوش بگیرم و آن ها را تا زایشگاه همراهی کنم.

بعد از تحویل نوزاد یکی از مسئولان نهاد مربوطه به سبیه دنبال او بودند بعد از این ماجرا مدتی در یک شرکت مشغول به کار می شود و زندگی اش کمی به حالت عادی بر می گردد اما بعد از مدتی خاله اش که اعتیادش را ترک کرده بود از خواهرزاده اش می خواهد تا زمان ترک نکردن اعتیادش پا در خانه اش نگذارد و او دوباره سرگردان می شود.

دختر پزمرده دل ادامه می دهد: به خاطر نداشتن پشتوانه و امید به آینده اصلاً توان ترک اعتیادم را نداشتم برای همین در یک مغازه مدتی به عنوان فروشنده مشغول به کار شدم. در این مدت به صیغه یک پسر درآمد و مدتی با او زندگی کردم

از سر او بر نمی دارد. زن جوان ادامه می دهد: بعد از ازدواج متوجه شدم همسرم معتاد است و برای همین خانواده اش با اعتیاد من مشکلی نداشتند. شوهرم کارگر ساختمانی بود و زمان بیکاری پول موادمات را از مادرش می گرفت.

او مدام در خانه لم می داد و تا غروب مثل جنازه گوشه ای می افتاد.

من از این ماجرا به شدت عصبانی بودم و دلم نمی خواست مرد خانه بیکار باشد برای همین روزی به او اعتراض کردم اما او چنان من را با سر به دیوار کوبید که تا یک هفته سرم گیج می رفت. زن دل خسته بعد از این اتفاق با پاره کردن صیغه نامه اش راهی شهری دیگر می شود و مدتی در خانه یکی از اقوامش زندگی می کند. چون صاحب خانه مصرف کننده مواد بود با اعتیاد او مشکلی نداشت. او تعریف می کند: روزها آواره پارک و خیابان بودم.

بعد از آوارگی و بی سرپناه شدن این بار خاله اش با رهن کردن یک خانه از او می خواهد در آن جا مدتی زندگی کند غافل از این که نیت شومی در سر داشت. زن مورد آزار و اذیت قرار گرفته می گوید: یک شب خاله ام با یک مرد غریبه وارد اتاق شد و از من خواست که در ازای گرفتن مبلغی مدتی به صیغه او در بیایم. زمانی که من از دیدن مرد ژولیده، بد بو و معتاد عصبانی شدم و از خواسته خاله ام پیروی نکردم آن ها نزدیک صبح من را از خانه بیرون کردند و مجبور شدم به خانه خاله بزرگترم بروم.

زن آواره که گرگ های شیطان صفت مدام سایه به سایه دنبال او بودند بعد از این ماجرا مدتی در یک شرکت مشغول به کار می شود و زندگی اش کمی به حالت عادی بر می گردد اما بعد از مدتی خاله اش که اعتیادش را ترک کرده بود از خواهرزاده اش می خواهد تا زمان ترک نکردن اعتیادش پا در خانه اش نگذارد و او دوباره سرگردان می شود.

دختر پزمرده دل ادامه می دهد: به خاطر نداشتن پشتوانه و امید به آینده اصلاً توان ترک اعتیادم را نداشتم برای همین در یک مغازه مدتی به عنوان فروشنده مشغول به کار شدم. در این مدت به صیغه یک پسر درآمد و مدتی با او زندگی کردم

منزلتان را به خانه رویایی تان تبدیل کنید

طراحی و اجرای مدرن یا کلاسیک

کلیه پروژه های

ساختمانی

در حداقل زمان و هزینه

گروه مهندسی ساختمان ساد ۰۹۱۵۳۱۱۹۰۶۱



چاپ عکس بر روی قاب موبایل



برای اولین بار در استان خراسان شمالی

دستگاه چاپ فلت بد

- قابلیت چاپ مستقیم بر روی اجسام مسطح و موج با ضخامت ۱۰ سانت با کیفیت بالا
- چاپ بر روی انواع کرکره های عمودی و افقی، پارچه، فرش، سنگ فیبر
- قابلیت چاپ بدون محدودیت جنس
- قابلیت چاپ روی انواع اجسام بدون کنتینگ

چاپ عکس بر روی لباس

بجنورد طالقانی شرقی لابر اتوار آبرنگ

۰۵۸۳۲۷۲۱۶۸۲ میانجی ۰۹۱۵۱۸۴۰۵۳۵

قبول سفارش از سراسر ایران

۰۹۳۳۱۸۴۰۵۳۵